

دکتر یداله فرید

دانشگاه تبریز

## ناحیه : محدوده فضایی برای تحقیقات جغرافیایی

بخش دوم

Dr. Yadolah Farid

Tabriz University

### Area: Space Limit for Geographical Research.

In this article "Area" has been defined from the point of view of authentic geographical doctrines and its different forms have been shown. Urban development and its structure and the method of geographical study of the "Area" are important chapters in this article. The author has tried to establish and define the limit and view point of geographers in the study of "Area" with the view of other disciplines such as Sociology, Economics and Demography.

روش مطالعات ناحیه ای :

ناحیه فضا و موضوع ساده‌ای برای مطالعه و تحقیق جغرافیدانان نیست، بلکه ناحیه به مثابه آئینه ای است برای نمایاندن فراز و نشیب حیات و تباین زندگی انسانهای ساکن همین فضا. بر این اساس بیش از نیم قرن است که از جغرافیدانان فرانسه: آلبردوماژون، آندره شوله، ژرژشابرو علی‌رغم شخصیت‌های متفاوت، در تفسیر و تبیین «ترکیب و ساختار ناحیه ای» به عنوان فضای زیستی انسانها دلمشغولیهای مشترکی داشته‌اند. در دوران ما نیز پیروگورو، بوژوگاریه، پیررز، برناردکایزه، الیویه دلفوس و بویژه پل کلاوال در اثر معروف خود به نام «نواحی، ملت‌ها و فضاهای

بزرگ» در تبیین و تحقیق روی نواحی جغرافیایی اهتمام ورزیده‌اند. ۴۹ چنین نگرش وسیع و مطالعات گسترده ناحیه‌ای ایجاب می‌کند که ضمن ترسیم خط فکری و روش مطالعات جغرافیدان روی ناحیه، نکات تمایز دیدگاه جغرافیدان را با کارشناسان سایر نظام‌های علمی (که کار ناحیه‌ای آنان نیز کم و بیش در غنای اندیشه‌های جغرافیایی بازتاب دارد) نشان داده شده و عوامل مورد نیاز و روش تحلیلی جغرافیدان روی ناحیه مطرح شود:

### الف - عوامل مورد نیاز برای تحلیل:

از نظر متخصصان دانش‌های انسانی مختلف، بویژه جغرافیدانان، (از هر مکتب فلسفی و جغرافیایی که باشند و ناحیه را با هر تعریفی بشناسند) ناحیه نتیجه تأثیر یک سری عوامل پیچیده و استقرار جمعی ساختارهایی است که تحلیل و تشریح آنها، به عنوان ابزار شناخت، در پژوهش‌های ناحیه‌ای ضرورت دارد. بنابراین در شناخت و تحقیقات ناحیه‌ای به نحوی که «کایزه» یادآور شده است توجه به پنج موضوع اساسی زیر الزامی می‌نماید:

- جمعیت ناحیه از نظر سیمای دموژئوگرافیک و اجتماعی

- منابع ناحیه و شکل کاربرد آنها

- مصرف ناحیه

- مناسبات خارجی ناحیه

- ساختار جغرافیایی ناحیه

### ۱ - جمعیت:

ناحیه در حقیقت مکانیسم انسانی است و اولین مطالعه آن با شناخت انسانهای ساکن ناحیه آغاز می‌شود. چرا که انسانها به تبع سکونت در ناحیه تولید و مصرف می‌کنند و در نهایت به عنوان نیروی مولد و سازنده، سیمای جغرافیایی ناحیه را تغییر

49. Espaces Vécus et civilisation. Mémoires et Documents de géographie. Ed du C. N. R. S Paris 1982 p14 et 15.

می دهند. اما داده های مربوط به جمعیت با نگرشهای متفاوتی از سوی جمعیت شناسان و جامعه شناسان و بالاخره جغرافیدانان قابل بررسی است. از نظر دانش جمعیت شناسی آگاهی از عدد و ساختار جمعیت و شکل تراکم آن در ناحیه، باروری جمعیت و حرکات زمانی و تکامل آن، و به عبارت دیگر بررسیهای کمی جمعیت ناحیه به مدد آمار و ریاضی بر عهده جمعیت شناس است. اگر چه مقوله حرکات مکانی و مهاجرتها نیز دور از قلمرو کار جمعیت شناس نیست. با آنکه توزیع سنی جمعیت بحثی است در قلمرو جمعیت شناسی ولی در عین حال روشنگر ساختار شغلی و بازار کار ناحیه ای است که تحلیل جمعیت فعال و پویایی ناحیه را تسهیل و جغرافیدان را با واقعتهای اقتصادی ناحیه آشنا می کند. چرا که ایدئولوژی حاکم بر ناحیه به عنوان پایه و اساس جهت یابیها، هر چه باشد، کار و مشاغل انسانها از لحاظ ماهیت و شرایط، نسبت به ساختار اقتصادی و اجتماعی ناحیه مشخص می شود. هر چند موضوع مطالعه کار ناحیه ای در قلمرو شناخت اقتصاددانان و جامعه شناسان است، ولی از نظر روش شناسی ایجاد رابطه بین نیروی کار و کل داده های طبیعی و توانهای ناحیه ای در قلمرو کار جغرافیدان می باشد و جغرافیدان است که توان و استعداد ناحیه در جذب نیروی کار و به تبع آن تکامل ناحیه را مشخص می کند. اضافه کنیم که بحث در آشکال کار و زمان کار در بعضی از جوامع سنتی در قلمرو قوم شناسی و ارزیابی دستمزدها و پاداشهای کار در محدوده خانوادگی، قبیله ای، زندگی دهقانی مبتنی بر نظام ارباب و رعیتی، پژوهش در طبقات اجتماعی، تضادها، بحث در رفتارها و گرایشهای اجتماعی، سطوح فرهنگ اجتماعی و روانی جمعیت، شناخت نیروی کار و کارفرما و کیفیت روابط آنها در ناحیه، در حیطه مطالعات جامعه شناسی است.

با آنکه مطالعه انسانها با سطح مصرف آنها، جریان پول و توزیع کار در بُعد ناحیه ای از وظایف اقتصاددانان است اما هر یک از عوامل قومی، عادات اجتماعی و داده های اقتصادی بازتابی روی بخشی از فضای ناحیه ای دارد که در رابطه با عوامل طبیعی و تاریخی کم و بیش پیچیده، وزن و شخصیت جغرافیایی ویژه ای به ناحیه می دهد و روابط اقتصادی کنونی حاکم بر فضای ناحیه را مشخص می کند. البته تشابه

عناوین و موضوعات طرح شده در نظامات علمی مختلف نباید جغرافیدان را در مطالعات جمعیتی و نیروی کار ناحیه‌ای جانشین قوم‌شناس، جامعه‌شناس، اقتصاددان، مورخ و جمعیت‌شناس کند، بلکه جغرافیدان وظیفه دارد تا نتایج تجزیه و تحلیل عوامل بکار گرفته شده به وسیله نظامات علمی دیگر را جمع‌آوری و از ترکیب آنها بستری بسازد و توزیع انسانی و کار را در بخشهای مختلف ناحیه با کلیه داده‌های اقتصادی، اجتماعی و جغرافیایی ناحیه مربوط کرده و علل و نتایج حاصل از چنین توزیعی را مورد مطالعه قرار دهد،<sup>۵۰</sup> و بین داده‌های ناحیه‌ای و توزیع مشاغل در گروههای سه‌گانه اجتماعی رابطه برقرار کند.

## ۲- منابع:

مطالعه در منابع ناحیه‌ای در قلمرو تحقیقات اقتصادی و جغرافیایی - اقتصادی است. منابع ناحیه‌ای شامل منابع زیرزمینی و منابع خاکی است که بطور فراوان و راحت مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد. این منابع منشا انرژی‌هایی است از جمله: انرژی‌هایی که مستقیم به وجود می‌آید (مانند فتوستز)، گاهی در طول زمان فراهم می‌شود، (مانند نفت و گاز و ذغال سنگ). گاهی بطور غیر مستقیم در اختیار انسانها قرار می‌گیرند (مانند کانی‌ها و انرژی دریافت شده از سقوط آبها). این انرژیها ساکن هستند و زمانی قابل استفاده خواهند بود که به نحو مطلوب مورد بهره‌برداری قرار گیرند و نیروها که در واقع بیانگر توان طبیعی ناحیه می‌باشند به کار گرفته شوند.<sup>۵۱</sup> بنابراین در مطالعه منابع ناحیه باید از کشاورزی ناحیه تحلیل کاملی داشت و زمین، خاک، آب و اقلیم ناحیه را شناخت و از توزیع منابع ناحیه نظیر جنگلها، شکار و منابع انرژی و مواد کانی آگاهی یافت و بازار سرمایه‌هایی را که می‌توانند در ساخت آینده

50. Pierre George: Population active. Introduction a'une géographie du travail. P. U. F. Paris 1978, pp 9 - 10.

51. Roger Brunet: pour une théorie de La géographie Régionale. La Pensée géographique Française contemporaine. Melange Offerets au Professeur A.Meynier. P.U. B 1972, P 658.

ناحیه موثر باشند مورد ارزیابی قرار داد. پس از آشنایی با منابع ناحیه ای باید مصرف و کاربرد منابع را با تولید و تجهیزات لازم برای تولید در ارتباط قرار داد. اما آشنایی با تولیدات ناحیه چندان آسان نیست، چرا که اغلب نواحی، بویژه در کشورهای روبه رشد، در زمینه های تولیدی بویژه تولید کشاورزی آمارهای دقیق را در اختیار محققان قرار نمی دهند و معمولاً تولید بر حسب اراضی زیرکشت ناقص اعلام می شود و تولید صنعتی نیز بر حسب واحدهای تولید غالباً ناشناخته می ماند و ای بسا بطور غیر مستقیم با شاخص هایی مورد ارزیابی قرار گیرد. برعکس واقعیت های تجهیزاتی ناحیه را که در امر بهره برداری از منابع، نقش انکار ناپذیری دارند می توان شناخت، از جمله تجهیزات نیرویی، صنعتی، راههای ارتباطی، شبکه توزیع آب و برق و... و توزیع آنها را روی نقشه جغرافیایی ناحیه منعکس کرد.

### ۳- مصرف:

شرایط زندگی گروه های انسانی ساکن ناحیه با ماهیت و حجم مصرف های جمعیت ناحیه قابل تبیین است. میزان مصرف نه تنها در قلمرو ضروری ترین مصارف انسانی (غذا) بلکه در زمینه مصرف مسکن و پوشاک و تجهیزات فردی و عمومی انسانها نیز یکی از عوامل مهم تفسیر تباینهای ناحیه ای است. ۵۲ چرا که کم و کیف مصرف نمی تواند از میزان تولیدات ناحیه ای که یکی از معیارهای شناخت سطح عمرانی و توسعه اقتصادی ناحیه است، جدا باشد. بدون تردید میزان جمعیت ناحیه در برابر منابع موجود و ایجاد رابطه بین انسانها با داده های مادی ناحیه می تواند در ترسیم سیمای جغرافیایی ناحیه موثر باشد. به این دلیل که رابطه بین انسانها و تجهیزات ناحیه ای نظیر خودرو، تلویزیون، میزان مصرف انرژی با منشا جغرافیایی مختلف، مصرف سیمان و آهن و... و بالاخره درآمد سرانه سالانه و توزیع آن بر

۵۲ - در مورد تباین مصرف غذایی انسانها در ابعاد ناحیه ای و به عنوان الگو در فضای نواحی جغرافیایی ایران صفحات ۳۵۵ - ۴۲۸ کتاب جغرافیای تغذیه مولف را بنگرید. چاپ دوم، از انتشارات دانشگاه تبریز، سال ۱۳۵۶.

حسب طبقات اجتماعی در ارزیابی مصرف جمعیت ناحیه و تحلیل ساختار ناحیه‌ای موثر است. ۵۳.

#### ۴- مبادلات خارجی:

ناحیه نمی‌تواند در محدوده‌ای بسته به حیات و بقا خودش ادامه دهد و مناسبات ناحیه‌ای در مقیاس ملی و فراملی بخشی از واقعیت آن به شمار می‌روند. اما بررسی مناسبات ناحیه‌ای با محیط خارج، مطالعه بسیار دقیقی است که می‌تواند بر مبنای تبادل نیروی انسانی باشد. مهاجرت‌های بین ناحیه‌ای در اغلب کشورها نمونه‌ای از این نوع تبادل است. مبادله کالا و توسعه بازرگانی ناحیه تا فراسوی مرزهای ناحیه‌ای، در واقع نشانگر نفوذ ناحیه در مقیاس ملی است. ترانزیت کالا از ناحیه بیانگر نوعی نقش ناحیه است. ارزیابی این گونه تبادله‌ها، تبادل نیروی انسانی و کالاهای بازرگانی فقط به زمان حال محدود نمی‌شود، بلکه توأم با آیندنگری و تغییرات احتمالی آن در آینده نه چندان دور خواهد بود.

#### ۵- شبکه شهری و ساختار جغرافیایی ناحیه:

شناخت موقع هر ناحیه، در زمانی معین، تحلیل بعضی از داده‌های اساسی را الزامی می‌نماید، از جمله آگاهی از سطح تجهیزات، تولید و مصرف ناحیه (ساختار اقتصادی، جمعیت و جامعه) و وضع مبادلات و بازرگانی آن با سایر نواحی. با وجود این، داده‌های مورد بحث موقعیت ناحیه را چنان که باید، نمی‌نمایانند لذا زندگی عملی ناحیه به گونه‌ای که هست، نشان داده نمی‌شود و جریانهای داخلی که به ناحیه توان می‌بخشند، چنان که باید تبیین نمی‌گردند. با وجود این، همین مکانیسم‌های زنده هستند که در نهایت، در فضای ناحیه و محدوده‌های جغرافیایی شهری و در اساس و پایه زندگی و واقعیت‌های عملکردی ناحیه، ثبت شده و انعکاس می‌یابند.

ساختار هر ناحیه با «شبکه شهری» آن مشخص می‌شود. به نظر پیررز برای

بافت «شبکه شهری»<sup>۵۴</sup> اصولاً از سویی به مناسبات مختلفی که بر قرار کننده روابط کارکردی دائمی هستند توجه می شود که بین عوامل شهری شبکه وجود دارند و از سوی دیگر در جهت روشن ساختن روابط شبکه با محیطهای روستایی اقدام می گردد، چرا که همین روابط کارکردی، ارزیابی پویایی ناحیه را تسهیل کرده و شناخت شبکه شهری، موقع جغرافیایی ناحیه را مشخص می کند. بیگمان پیشرفتهای تکنیکی و صنعتی در ایجاد شبکه شهری نقش دارند و چنان که قبلاً هم یادآور شدیم، شبکه شهری اروپای غربی دوران معاصر، با توسعه راههای آهن آن ناحیه در ارتباط بوده، چرا که تا قبل از پیدایش خطوط آهن، رشد شهرها نسبتاً مستقل انجام می گرفت و هر شهری با محیط پیرامونش رابطه برقرار می کرد و پراکنش مراکز شهری بدون ایجاد سلسله مراتب شهری و بی آنکه بین شهرها مناسبات عملکردی واقعی برقرار شود، شکل می گرفت. این جریان کم و بیش تا فردای جنگ جهانی دوم ادامه داشت اما با آغاز مرحله نوینی از توسعه اقتصادی شهرهای بزرگ حیطه سلطه خود را در مقیاس ناحیه ای گسترش دادند تا از حداکثر ثروت ناحیه ای استفاده کنند. نقطه های پیوسته و گره خورده همین حیطه سلطه را شهرهایی با اندام جغرافیایی متفاوت تشکیل دادند که به عنوان واسط در گسترش نفوذ «مادر شهرها» در مقیاس ناحیه ای، عمل می کنند. در بین این شهرها بزودی سلسله مراتبی با موقعیت عملکردی و شایستگی و توان انعطاف پذیری خاص، برقرار شد و بر حسب همین توان، هر شهر فضای نفوذی خود را تقویت کرد. در همین دوره، تمرکز صنایع، امور بازرگانی و بانکی به ظهور شهرهایی منجر شد و ما امروز بهترین صورت شکل یابی شبکه شهری را که بر ناحیه گرایی کشورهای پویایی خاصی می بخشد در کشورهای صنعتی جهان می بینیم.

در کشورهایی که امروز درصدد توسعه اقتصادی خود هستند چنین شکل یابی

۵۴ - Reseau Urbain: به مجموعه ای از شهرها گفته می شود که در محدوده ناحیه ای یا دولتی توزیع می شوند و با یکدیگر روابطی را با ویژگیهای مختلف بازرگانی، مالی، صنعتی، فرهنگی و بالاخره توریستی و... برقرار می کنند. بعضی از جغرافیدانان فرانسه نظیر «Rocheofort Houtreux» برای شبکه شهری اصطلاح «Armature urbaine» را بکار برده اند،

شبکه شهری چندان آسان نیست، چرا که بعضی از این کشورها ساختار خود را بر اقتصاد مبتنی بر جریان بازرگانی و جمع آوری و تولیدات مواد خام و توزیع چند نوع از تولیدات ساخته شده بنا نهاده اند، بنابراین زندگی شهری مراکز وابسته بر مبنای بازرگانی ابتدایی است و شکوفایی این شهرها برای این که بتوانند در پهنه شبکه شهری عملکرد پیچیده‌ای را تعقیب کنند بندرت کامل است. مانع دیگر، ورود ناگهانی وسایل حمل و نقل مختلف و سریع در فضایی است که هنوز سازماندهی نشده است. این پدیده، تمرکز بی نهایت فعالیتها را در مرکز ناحیه شدت می بخشد. چنین تمرکز و تراکم فعالیتها در مرکز و شهری خاص، نه تنها به ضرر روستاها که حتی به زیان واحدهای درجه دومی است که در حال خودسازی و رشد هستند. همین نیروی جاذبه پایتخت و مادر شهرهای دولتهای کم رشد، تکوین و ایجاد «اقمار شهر» ها را، که وجود آنها برای بافت شبکه شهری محکم ضروری است، در مقیاس ناحیه ای ناممکن می سازد. بنابراین شبکه شهری در کشورهای کم رشد، معمولاً شبکه شهری ساده و در عین حال بدون توان و اعتبار است و جز مفهومی از سلسله مراتب کاملاً ابتدایی و ساختار ناحیه ای مبهم ندارد. برعکس امروزه در کشورهای صنعتی، شبکه شهری می تواند خیلی بیش از حد تکامل یابد تا جایی که پیچیدگی آن به زیان ساختار متعادل ناحیه بیانجامد، چرا که به نظر پیروز شرایط تاریخی در کشورهای سرمایه داری که معلول سیستم بازار رقابتی است، مناسبات عملکردی دائمی را بین شهرها، با همه واقعیتهای پیچیده شان، متغیر و پر از تناقض می کند ۵۵

### ب - روشهای تحلیل:

«برنارد کایزه» با در نظر گرفتن عوامل پنجگانه مؤثر در تبیین ناحیه و با حفظ نگرش هر نظام علمی به ناحیه (در بحث عوامل تحلیل، به نگرشهای متفاوت کارشناسان نظامهای علمی دیگر اشاره شد) تأکید می کند که پژوهش روی ناحیه، خاص نظام علمی معینی نیست، بلکه تحقیق روی ناحیه کاری است گروهی. هر چند در انجام مطالعات ناحیه ای برخوردهای اندیشه ای، بین کارشناسان نظامهای علمی



مختلف، پیش آید و یا در روش تحقیق ناحیه ای همسویی لازم بین آنان دیده نشود (مثلاً یکی راه تجزیه و کمی در پیش گیرد و دیگری بر ترکیب «سنتر» و نتایج کیفی ترکیب ها بنگرد). برای اینکه در بین دانشهای انسانی و اجتماعی دیگر، جایگاه دانش جغرافیا را بشناسیم بر جدولی که کایزه در این زمینه تنظیم کرده توجه می کنیم:

جدول (۳): پژوهشهای ناحیه ای بر اساس نگرشهای نظامهای علمی مختلف

شرکت کنندگان در پژوهش			شاخه های پژوهش	
اقتصاددان	جامعه شناس	جمعیت شناس	جغرافیدان	
	۲- طبقات اجتماعی ۲- وضع و رفتارها ۲- سطح فرهنگ اجتماعی	۱- باروری ۲- ساختار سنی ۳- آینده نگری روی نیروی کار	۱- مکان یابی ۲- حرکت و جابجایی	جمعیت
۲-۳ سرمایه ها ۲-۳ تولید ۱- تجهیزات			۱- فهرست منابع ۱- تجهیزات	منابع
۱- سطوح مصرف ۱- تجهیزات و درآمدهای فردی	۲- عادات و استعداد به تغییرات		۱-۳ توزیع	مصرف
۱-۳ حمل و نقل کالا		۳- مهاجرتها		مبادلات خارجی
۱-۲ مناطق همگن		۱- جمعیت فعال شهرها	۱-۲ مناطق همگن ۱-۲ حمل و نقل ۱-۲ شبکه شهری	ساختار جغرافیایی

توضیح: منابع اصلی تحقیق با شماره تعیین شده است:

شماره ۱ مربوط به منابع آماری است.

شماره ۲ مربوط به منابع به دست آمده از طریق پرسشگری است.

شماره ۳ مربوط به ارزیابیهاست.

«کایزه» در راستای تعیین مرز و حوزه عمل دانشهای یاد شده، بویژه در مورد جغرافیا و اقتصاد بر این باور است که نه مکتبی به نام «اقتصاد جغرافیایی»<sup>۵۶</sup> خاص اقتصاددانان وجود دارد و نه مکتب «جغرافیای ناحیه‌ای» ویژه جغرافیدانان، بلکه به سبب فقدان روشنی بین موضوعات مربوط به تحقیق، کارشناسان هر دو نظام در بیان اصول و قواعد رشته خود کوتاه می‌آیند. به عبارت دیگر دانشهای انسانی و دانشهای همگرا یعنی اقتصاد و جغرافیا با توجه به یک موضوع در مورد طرح فضا، از نظر تئوریکها و عملکردها، نمی‌توانند بطور اساسی جدا از هم باشند و اختلاف، پیش از آنکه در موضوعات مطرح شده و در طرز بیان آنها باشد، در نهایت، در نگرشها و دیدگاههای این دو نظام است. بنابراین بحثها و جدلهای اصولی و عقیدتی نمی‌تواند روشنگر تباین نظرهای کارشناس این دو نظام علمی باشند، بلکه به هنگام عمل و اجرای روشها است که می‌توان به این اختلاف پی برد. البته اگر مفاهیم مطرح شده از سری اقتصاددانان و جغرافیدانان از نظر طرح موضوع، هدف و روشهای مطالعات ناحیه‌ای در برابر هم قرار داشت، رودر رویی و تقابل دو نظام به روشن شدن بسیاری از مسائل کمک می‌کرد، در صورتی که امروز چنین نیست، چرا که هر دو نظام در هم نفوذ متقابل دارند و به عنوان علوم مجاور در کشف تباينهای ناحیه‌ای، یکدیگر را یاری می‌کنند.

### ج- روش بسیج و ترکیب نیروهای ناحیه و روابط بین آنها:

به نظر «رژه برونه» ناحیه را روابط موجود بین عوامل سازنده آن شکل می‌دهد. این روابط عمودی است و یا افقی. روابط عمودی بین عملکردها بر قرار می‌شود نه بین مکانها، به عبارت دیگر ارتباط بین اقتصاد، طبقات اجتماعی، ساختار دموژوگرافی و بالاخره رفتارهای انسانها... روابط عمودی را تشکیل می‌دهند. بر

۵۶ - از نظر اقتصاددانانی نظیر «ژاک بودویل» اقتصاد جغرافیایی در مفهوم وسیع جغرافیای انسانی قابل مطالعه است در صورتی که اقتصاد ناحیه‌ای تحت عنوان فضای اقتصاد عملی مطالعه می‌شود.

این روابط عمودی، می‌توان روابط افقی یا روابط مکانی را با مکان دیگر، افزود. روابط عمودی در ساختار ناحیه بمراتب بیش از روابط افقی، نقش تعیین کننده دارد. و گفته می‌شود که روابط افقی در روشنگری ساختار ناحیه شرکت دارد ولی در ایجاد ساختار، نقشی ایفا نمی‌کند و فقط روند ساختار را سست و یا تقویت می‌کند.

در بهره‌ور ساختن منابع بجز عوامل پنجگانه‌ای که در ساختار ناحیه مشارکت سازنده دارند، نقش سرمایه را که خود نوعی از کاربرد نیروهاست نمی‌توان نادیده گرفت. فراوانی و یا کمبود سرمایه و اشکال مختلف مصرف آن در ساخت و حتی فروسای ناحیه اثر می‌گذارد: وقتی بر اثر سالخوردگی جمعیت سرمایه در اختیار گروه‌های سالخورده جامعه قرار می‌گیرد، دوران انباشت سرمایه فرا می‌رسد و پول از گردش و جریان خارج می‌شود و بالاخره نمی‌تواند در بسیج نیروها کارساز باشد. ۵۷ گاه شرایط اقتصادی بویژه سیاسی به فرار سرمایه‌ها از ناحیه‌ای به ناحیه دیگر منجر می‌شود و این در واقع اتلاف نیروهای ناحیه‌ای است، اگر چه با بازگشت حداکثر سود همراه باشد. در صورتی که سرمایه‌ها در فعالیتهای تولیدی به کار گرفته شود، در حکم بسیج نیروها بوده تولید مناسب را در جهت پاسخگویی به نیازهای مصرفی ناحیه ممکن می‌سازد و این خود الگویی از کاربرد منطقی انرژیهاست. بنابراین انباشت سرمایه‌ها در بانکها و یا عدم استفاده مناسب از آنها به نحوی که باعث آرایش محیط زیست انسانی شود و یا کاربرد اقتصادی سایر نیروها را دچار تخریب کند، به معنی این است که دوران فروسای نیروهای سازنده ناحیه فرا رسیده است.

علاوه بر سرمایه، نشر اطلاعات و اخبار از نظر تئوری مانند نیروی است که در بهره‌ور سازی منابع (آماده سازی انسانها، بهره‌مندی از پیشرفتهای تکنیکی) یا حتی در فرار و جریان نیروهای کار و سرمایه و مغزها نقش اساسی ایفا می‌کند. عوامل پنجگانه‌ای که قبلاً برشمردیم با سرمایه و نشر اطلاعات و اخبار رابطه دارند و تغییر هریک از آنها آثار فوری روی عوامل دیگر می‌گذارد، مضافاً به اینکه هریک از این نیروها بی‌وجود دیگری تجلی نمی‌یابد و ترکیب آنها ساختار پیچیده‌ای را در ناحیه به

وجود می‌آورد. این نیروها به وسیله پدیده‌های خود نظمی "Autorégulation" و با توجه به گذشته، به سازماندهی متعادل موقت می‌رسند. اما رشد بی‌حساب و فراتر از نظم و فروسایي انبوه نیرویی از نیروها، متضمن از بین رفتن ساختاری به نفع ساختار دیگر است. هر ناحیه‌ای که بسته باشد و اطلاعات در آن کمتر جریان یابد و شکل یابی سرمایه ضعیف و یا کاربرد آن دور از منطق اقتصادی باشد، فروسایي ساختار ناحیه حتمی است. ۵۸

وقتی به باز بودن ناحیه و عدم انزوای جغرافیایی آن معتقد باشیم باید از بیلان مبادلات نیروها و عوامل، که در فهم ساختار و تکامل ناحیه با همه پیچیدگیها (که این پیچیدگیها ناشی از مناسباتی است که بین نیروهای یاد شده وجود دارد) موثرند، آگاهی یافت. در بسیاری از نواحی مهاجرفرست، جریان نیروی انسانی به فراسوی مرزهای ناحیه، نه تنها به عدم تعادل مناسبات نیروها نمی‌انجامد، بلکه چون در بجه اطمینانی در برابر انفجار جمعیت و عدم تعادل منابع با نیروهای مصرف کننده، عمل می‌کند، به شرط کاهش احتمالی نیروهای مولد، کاربرد تکنیک به جای انسان بر تعادل ساختار ناحیه‌ای کمک می‌کند. در حالات دیگر حرکت جمعیت به اتلاف نیروها، آزادسازی و عدم جذب سرمایه‌ها و بالاخره به تورم پولی در ناحیه منجر می‌شود، در نواحی کوهستانی مهاجرت نیروهای انسانی فعال به نواحی جلگه‌ای صنعتی اصولاً با کمبود نیروی مولد و با ایجاد عدم تعادل در ناحیه کوهستانی همراه است. بدیهی است به شرط وجود پارامترهای جغرافیایی مناسب دیگر از جمله تغییر مصرف یا جابجایی دامپروری و کشاورزی، یا انجام ورزشهای زمستانی، می‌توان تا حدودی از سیر قهقراپی ناحیه جلوگیری کرد. مثالی که مطرح شد بیانگر این واقعیت است که جغرافیدان به همان اندازه که در بررسیهای ساختار ناحیه به همه نیروها، داده‌ها و عوامل درون ناحیه‌ای توجه می‌کند، از شناخت نیروهای فراناچه‌ای و حتی فراملی که می‌توانند در ساختار ناحیه نقش داشته باشند نباید غافل باشد. اما هدف جغرافیدان تنها ترسیم و تهیه کاتالوگ یا سیاهه این داده‌ها و نیروها نیست، بلکه تمامی تحلیلهای

تجربیدی جز ایجاد زمینه مناسب برای مقایسه، ترکیب آزمون مناسبات منطقی بین نیروها و تحقیق در ساختار متباین نواحی نمی باشد. برای این که روش جغرافیایی متینی را در قلمرو بحث نشان دهیم، با طرح مثالی موضوع را می شکافیم و مسیر حرکت تحقیقاتی جغرافیدان را روی یکی از داده ها و نیروهای ناحیه ای که همان نیروی انسانی ناحیه باشد، تعقیب می کنیم:

جغرافیدان در بررسی نیروی انسانی ناحیه مورد مطالعه خود، از سه مرحله تحقیق می گذرد: ۵۹

- ۱ - مرحله اول در جستجوی عوامل مطالعه به موضوعات زیر توجه می کند:
  - توزیع جمعیت در ناحیه و تغییرات آن در زمان
  - نرخ رشد جمعیت و بطور خاص باروری جمعیت در رابطه با شکل استقرار جمعیت.
  - ساختار جمعیت
  - حجم و جهت مسیر مهاجرت های درون ناحیه ای و بیرون از مرزهای ناحیه.
  - ترکیب مشاغل جمعیت در واحد همگن
- ۲ - در مرحله دوم جغرافیدان روابط و مناسباتی را که بین این نیروها و داده ها وجود دارد، مورد آزمون قرار می دهد، یعنی بین شکل استقرار و تکامل جمعیت با شدت و ضعف مهاجرت و بین ترکیب مشاغل با ساختار سنی و جنسی و بالاخره بین باروری و رشد جمعیت با نیروی کار ناحیه روابطی برقرار می کند.
- ۳ - در مرحله سوم جغرافیدان از ترکیب داده های تحلیلی و تجربیدی نه تنها با واقعیت جمعیت و نیروی کار ناحیه در زمان حال آشنا می شود بلکه آینده جمعیتی ناحیه

---

۵۹ - برای آگاهی وسیع از قلمرو بحث به مقاله «مقدمه ای بر کاربرد جغرافیای جمعیت و تغذیه در تحقیقات ناحیه ای کشورهای ربه رشد - بداله فرید،» مجموعه سخنرانیهای سمینار بین المللی جغرافیای جمهوری اسلامی ایران به کوشش دکتر پاپلی یزدی، مشهد اردیبهشت ماه ۱۳۶۴، مراجعه کنید.

را با همه ابعاد آن ترسیم می‌کند، مثلاً در مورد مهاجرت جمعیت به خارج از مرزهای ناحیه‌ای، اثرات آن را در تکامل جمعیتی، در کار و اشتغال، توزیع جغرافیایی جمعیت، سکون و عدم تحرك شهرهای ناحیه و بالاخره در توسعه آینده ناحیه مورد ارزیابی قرار می‌دهد و چنین مطالعه‌ای تنها کلید فهم موقعیت جغرافیایی ناحیه است. جغرافیدان در تحلیل جغرافیایی خود باید بر دو اصل تکیه کند: نخستین اصل تحقیق روی منابع و اسناد مطالعه است. در این راستا بایستی از کلیه مدارک و تمام تکنیکها و فرایندهای قابل تصور سود جوید و برکاستیها و نارساییهای آمار توجه کند تا بتواند حداکثر منابع و مآخذ لازم را در اختیار گیرد. اگر منابع کمی (بروژه داده‌های آماری سرشماریها) نارسا و یا نادرست باشد، چاره‌ای جز تنظیم پرسشنامه، برای آزمون داده‌ها ندارد. اگر چه این کار به روش نمونه‌گیری انجام شود. چرا که باید بر اساس داده‌های کمی با کل توان و خصصتهای ناحیه و در عین حال با شرایط کمی و کیفی زندگی انسانها، در بُعد ناحیه آشنا شود.

اصل دوم روش مطالعه بیان و تفسیر نتایج است. بدین معنی که تمام داده‌ها در فضای ناحیه‌ای و هر داده در جایگاه خود به نحوی که باید، نشان داده شود. بی‌تردید تبیین استقرار عوامل ساختار جز با استفاده از نقشه‌ها، بروژه نقشه‌های موضوعی، امکان پذیر نیست. نقشه علاوه بر این که استقرار هر پدیده را در موقعیت خود نشان می‌دهد، مقایسه و تقابل و برقراری مناسبات منطقی بین داده‌ها و نیروهای درون ناحیه‌ای را تسهیل می‌کند.<sup>۶۰</sup>

### توسعه نابرابر و تباینهای ناحیه‌ای و روش مطالعه آن:

در محدوده فضایی گسترده، توسعه اقتصادی و اجتماعی بطور همسان انجام نمی‌گیرد، چرا که شرایط طبیعی و انسانی متفاوت نواحی، اولین عامل تأثیر گذار اجتناب ناپذیر در تباین جغرافیایی و توسعه اقتصادی و اجتماعی نابرابر ناحیه است و همین مسأله از نظر تئوری به یک نتیجه طبیعی در تقسیم و تخصص‌یابی کار در ناحیه،

60. Bernard Kayser en collaboration. pp 340 - 341.

متهی می شود.

اگر عوامل طبیعی، انسانی، تاریخی و ساختار اجتماعی را در تباین ناحیه ای کنار بگذاریم، علت اصلی نابرابریها را در ماهیت کار و تولید و در سطح بازدهی (Productivité) فضا و انسانهای ساکن همین فضا خواهیم دید. اگر در یک ناحیه، کشاورزی دارای بازده بالا در واحد سطح و کار باشد، هرگز نمی توان انتظار داشت که سطح توسعه اقتصادی و اجتماعی این ناحیه با ناحیه دیگری که رشد خود را با توسعه صنعتی آغاز کرده، همشکل و همسان باشد، چرا که بنا بر عللی ساده اما اساسی و به سبب یک سری اعمال زنجیره ای به هم پیوسته، بهره وری صنایع در سطح بالا است و اثرات حاصل از آن در تغییر سیمای جغرافیایی ناحیه بیش از کشاورزی می باشد، تا جایی که پویایی و ایستایی آن نیز بطور نسبی در توان و ظرفیت درآمدها و بالمآل در سطح رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی ناحیه کم تأثیر نخواهد بود.

اما صنعتی کردن نواحی علاوه بر آن که با توان محیطی در رابطه است، به هزینه ها و سرمایه گذاریهای وسیع برای اشغال فضای صنعتی، ایجاد راههای ارتباطی، سکونتگاهها و خدمات جنبی، جریان آب و برق و گاز و غیره نیاز دارد. صنایع برای فرار از بار سنگین سرمایه گذاریهای مورد بحث به جای این که در بخشهای بکر نواحی استقرار یابند، به سوری فضاهایی که قبلاً صنعتی در آنها مستقر شده و کاملاً تجهیز شده اند، کشیده می شوند. اگر گفته شود که صنعت جاذب صنعت است و صنعتی مکمل صنعت دیگر، سخنی به گزاف گفته نشده است، به همین علت امروزه صنایع از پراکندگی احتراز می کنند و گاه در تولید هم سنخ و یا مکمل، به تمرکز گرایش دارند به همین علت هم نواحی عقب مانده فقیرتر می شوند، و نواحی که توسعه آنها از پیش آغاز شده بود روند رشد خود را تعقیب می کنند. این فرایند بطور خاصی بر پدیده مهاجرت تحرك می بخشد و نیروها و سرمایه های بالقوه نواحی کم رشد را دچار رکود کرده، مؤسسات ضعیف را که درگیر رقابت هستند نابود کرده و به عدم تکافوی خدمات عمومی و اجتماعی و فرهنگی نواحی متهی می شود. این پدیده تا نیمه اول قرن حاضر بر فرایند توسعه نواحی سایه افکنده بود، اما امروز

هزینه های زیربنایی صنایع بقدری سنگین است که به عنوان عامل نوینی در مکان یابی صنایع اثر گذاشته و صاحبان صنایع را به اتخاذ تدابیر و استراتژی دراز مدتی که به تضمین سرمایه و سردکلان بیانجامد واداشته است. همین مسأله به جابجایی صنایع از نواحی توسعه یافته به نواحی کم رشد منتهی شده و بالمآل در تغییر سیمای جغرافیایی نواحی موثر افتاده است. بی جهت نیست که امروز برخی از نواحی کم رشد جهان تحت ضوابط معین، زیر سلطه و توسعه صنعتی کشورهای پیشرفته جهان قرار می گیرد و منظر اقتصادی و اجتماعی خود را به ظاهر تغییر می دهند، چرا که در نواحی کم رشد زمین مجانی یا کم بهاست، سطح دستمزدها پائین، بیمه های اجتماعی و محدودیتهای محیط زیست و پرداخت مالیات و حقوق گمرکی سنگین، عملاً وجود ندارد و در عین حال مواد اولیه و خام و انرژی ارزان نیز در اختیار صاحبان صنایع قرار می گیرد و کالاهای ساخته شده بدون رقابت و به قیمت دلخواه تولید کننده در بازارهای مصرف نواحی کم رشد عرضه می شود. چنین روندی علاوه بر این که هزینه های زیربنایی را کاهش می دهد، سود کلانی را نیز در دراز مدت نصیب صاحبان صنایع می کند، حتی اگر در سیمای ظاهری نواحی کم رشد تغییراتی را به وجود آورد. ۶۱

این برنامه ریزی مسلماً از طریق صدور سرمایه و تکنیک از جانب کشورهای ثروتمند جهان به نواحی کشورهای فقیر جهان سوم، انجام می شود و این سؤال را برای جغرافیدان مطرح می کند که نفس صدور سرمایه در حکم استعمار ملل ضعیف جهان نیست؟ منتهی به شیوه ماهرانه تری به نحوی که برای حفظ منافع دول استعماری نیازی به تهیه و تدارک و استقرار نیروی نظامی در نواحی کم رشد نمی باشد.

جغرافیدان به مقتضای وظیفه ای که در تبیین تضادها و تباینهای اقتصادی و اجتماعی انسانها در فضای ناحیه ای دارد، با دستیابی بر داده های عینی و ملموس، به مطالعه ناحیه خواهد پرداخت. مسلماً نواحی همگون، که خلاقیت انسانها در تغییر و تحول فضا بکار گرفته نشده و یا کمتر بکار گرفته شده است و یا خارج از محدوده

61. Pierre George: L'ère des techniques. Constructions ou destructions? P. U. F Paris 1974, PP 144 - 145.



فعالیت‌های مبادلاتی قرار گرفته است، زمینه مناسبی برای درک تباینهای ناحیه‌ای نخواهد بود و فضاهاى طبیعى و جغرافیایی که بر اثر بازتاب عوامل تاریخی، فرهنگی، اجتماعى، اقتصادى، شکل یافته و قطبى شده است با عنوان نواحى «سازمان یافته» بیش از نواحى همگون مورد توجه جغرافیدان خواهد بود. چنان که قبلاً هم اشاره کردیم، در این گونه بررسیها بیشتر بر منابع آماری استناد می‌شود، چرا که داده‌های آماری با وجود داشتن ارزش متوسط، بیانگر واقعیت جغرافیایی ناحیه است و استناد بر این داده‌ها در واقع بیان شرایط کیفی زندگی انسانها در محدوده نواحی در قالب آماراست. در مورد چنین مطالعه‌ای «برنارد کایزه» از داده‌هایی سود برده و روشی را ارائه کرده که می‌تواند به عنوان الگو، مورد استفاده پژوهشگران و کارشناسان جغرافیا قرار گیرد:

### داده‌های اساسی در تحلیل تباینهای ناحیه‌ای:

#### ۱- جمعیت:

- پویایی جمعیت بر مبنای داده‌های آماری سرشماری

- تمرکز شهری: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

- درصد جمعیت روستایی

- توزیع جمعیت برحسب اندام و اشکال شهری

- پویایی جمعیت برحسب اندام شهرها

#### - مهاجرت:

- نیروی مهاجر فرستی ناحیه

- نیروی مهاجرپذیری ناحیه

- نسبت خارجیان مقیم ناحیه

- جمعیت فعال و توزیع آن بر حسب مشاغل، نرخ فعالیت

## - دموگرافی:

- نرخ موالید، مرگ و میر و باروری
- ساختار سنی جمعیت (شاخص جوانگرایی جمعیت)

## - آینده نگری:

- پیش بینیهای مربوط به میانسالان (محل کار ایجاد شده و یا کمبود نیروی انسانی)
- پیش بینی مربوط به آینده کودکان

## ۲- تولیدات، درآمدهای ناویژه و مصرف مؤسسات:

- کشاورزی (به اضافه دامپروری، جنگلبانی، شکار ماهی)، صنعت
- کل درآمدها و سود برحسب داده های آماری
- درآمدها و سود برحسب فرد فعال و نسبت به ساکنان ناحیه
- بازدهی

- مصرف انرژی در صنایع

- مصرف کود در کشاورزی

## ۳- ساختار کشاورزی:

- توزیع بهره برداریها برحسب آخرین آمار از نظر:

- ماهیت حقوقی

- اندام

- شکل و نوع کشت

- چارپایان

- تجهیزات مکانیکی

- سن مدیر و رئیس بهره برداریها

- بازار بهره برداریها و ارزش زمین

#### ۴- ساختار صنعت و بازرگانی:

- مؤسسات صنعتی و بازرگانی از نظر تعداد مزدگیران برحسب آخرین

آمار

#### ۵- تجهیزات و سکونتگاهها:

- حمل و نقل:

الف - تراکم جاده ای

ب - تراکم خط آهن

ج - توقف خودروها

- پروانه های مربوط به ایجاد صنایع

- پروانه های مربوط به ایجاد سکونتگاهها بویژه سکونتگاههای جمعی (نسبت

ساختهای نو به کهنه)

#### ۶- مصرف و سطح زندگی:

- درآمدهای مالیاتی و مالیات نسبت به ساکنان

- مصرف خانگی و عمومی: ذغال سنگ، تولیدات نفتی، گاز و برق.

- تعداد افراد نسبت به یک پزشک، جراح، اتوموبیل، تلویزیون و صندلی سینما

- میزان و نرخ افراد مدرسه رو در دوره های ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان ۶۲

عناوین فوق رتوس مطالبی است که می توان در تبیین نواحی از آنها سود جست،

اما در بطن و کنار همین عناوین، طرح «جغرافیای بهزیستی» ناحیه که در آن شرایط انسانهای مقیم ناحیه در زمینه مصارف اساسی مختلف و خدمات عرضه شده به آنها بر مبنای داده‌های آماری و به کمک محاسبات ریاضی به نحو بایسته مورد ارزیابی قرار می‌گیرد، الزامی می‌نماید تا بتوان به آنچه که در منظر برونی و حیات درونی ناحیه جاری است آگاهی کامل یافت. ۶۳

### منابع خارجی با توضیحاتی برای راهنمایی خوانندگان

1. André, Meynier: Histoire de La pensée géographique en France collection S. U. P. P. U. F Paris 1969.
 

این کتاب سه فصل را با عناوین زیر در بر می‌گیرد:

  - دوران شکوفایی جغرافیا (۱۸۷۲-۱۹۰۵)
  - دوران شناخت و درک (۱۹۰۵-۱۹۳۹)
  - دوران تغییرات پرسرو صدا (۱۹۳۹-۱۹۶۹)

نتیجه

کتاب در ۲۴۱ صفحه تدوین یافته و یکی از بارزترین نوشته‌های جغرافیایی در تئین مسیر حرکت و تحول مکتب جغرافیای فرانسه است.
2. André, Meynier: Guide de L'étudiant en géographie P. U. F. Paris 1971.
 

این کتاب در ۱۵۳ صفحه تدوین شده است:

جغرافیا و صلاحیت لازم برای جغرافیدان - ورود به آموزش عالی و تغییر بنیادی در نگرشها - تحصیلات در سیکل اول:

  - ۱- سازماندهی عمومی
  - ۲- مطالعه جغرافیای عمومی
  - ۳- جغرافیای ناحیه‌ای
  - ۴- ترکیبات و تمرینات - تحصیلات در سیکل دوم:

تخصص‌یابی و پژوهشها، آماده شدن برای شغل، همیشه در مسیر حرفه و شغل.

این اثر به فاصله سی سال، بعد از انتشار «راهنمای دانشجویان جغرافیای اندره شوله (۱۹۴۲) با نگرش نوین و متناسب با نیازهای زمان، چاپ و از ارزش والایی برخوردار است.
3. Arakand Fremont: La Région espace Vécu. Collection S. U. P. P. U. F. Paris 1976.
 

کتاب ناحیه، فضای زیستی اثر آرمین فرمن استاد دانشگاه «کان» فرانسه است که سه بخش عمده را با سر فصلهای به این شرح در بر می‌گیرد:

  - در بخش اول کتاب با عنوان جهت‌یابی و روشها، این سر فصلها را می‌بینیم: در سهایی از علوم انسانی، شناخت فضای اقتصادی، روشهای جغرافیایی.
  - در بخش دوم کتاب با عنوان «از خانه تا ناحیه» با این سر فصلها آشنا می‌شویم: مکانه‌ها، فضاهای اجتماعی، نواحی، فضاهای بزرگ.
  - در بخش سوم کتاب تحت عنوان «عدم سازگاری و تجاوزها»، این سر فصلها گنجانده شده است: فضای آشفته، فضای زیستی (فضا و انقلاب، فضا و خلاقیت، فضا و پداگوژی و ...).

کتاب در ۲۱۵ صفحه در سلسله انتشارات دانشگاههای فرانسه چاپ شده است.
4. Antoin Bailly: La géographie de Bien - être P. U. F Paris. 1981.
 

جغرافیای بهزیستی «اثر آنتوان بایلی» از مجموعه «فضا و آزادی» است که زیر نظر پل کلاواو در سلسله انتشارات دانشگاهی فرانسه انتشار می‌یابد.

این کتاب با مقدمه‌ای در دو بخش با زیر عناوینی به شرح ذیل انتشار یافته است:

  - در بخش اول کتاب با عنوان بهزیستی، مفهومی تکامل‌پذیر، این سر فصلها را می‌بینیم: زمانها و بهزیستی، فضا و بهزیستی، رشد اقتصادی بهزیستی را بهبود می‌بخشد؟ عدالت فضایی و آمایش سرزمین و نتیجه.
  - در بخش دوم کتاب تحت عنوان عوامل تشکیل دهنده بهزیستی و کیفیت زندگی با این سر فصلها آشنا می‌شویم:

۶۳ - برای آگاهی بیشتر در این زمینه مراجعه کنید به:

Antoine Bailly: La géographie du bien - être . P. U. F Paris 1981.

تأثیرهای فضایی و کیفیت زندگی در فرانسه، بهزیستی مفهومی در معیار و اندازه خود، بهزیستی شناخت خود و دیگران، عوامل بهزیستی، بهزیستی مفهومی ناممکن برای برنامه ریزی و نتیجه، به سوی جغرافیای بهزیستی (شرایط محیطی در رابطه با انسانها، به سوی آمایش بهزیستی...).

کتاب با استفاده از آمار و ریاضی در قلمرو جغرافیای کمی در ۲۴۰ صفحه تدوین یافته است. «آنتوان بایلی» استاد جغرافیای شهری و شهرگرایی در فرانسه و کاتاندا بوده و اکنون استاد جغرافیای دانشگاه ژنو است. این کتاب با همه نوآوریها، دور از نقد و انتقاد نمانده است. ژرژ دو سالنامه جغرافیا ضمن نقد عالمانه کتاب، چنین نتیجه می‌گیرد: «اگر تئوریا و ایدئولوژیا هرگز در تقسیم سادات انسانها توفیقی نداشته اند حال نوبت آزمون ریاضی است...».

5. Beauveu Garnier, J: La géographie. Méthodes et perspectives. Ed Masson, Paris 1971.

ژاکلین بوژوگاریه استاد جغرافیای دانشگاه سوربن کتاب «جغرافیا، روشها و دور نماها» را در چهار فصل و نتیجه‌ای به این شرح تدوین کرده است: «جغرافیا چیست؟»، روش جغرافیایی، نقشها و دورنماها، فضای جغرافیایی، تقسیم فضا، طرح برای تقسیم فضا. کتاب در ۱۳۲ صفحه پایان یافته است.

6. C.N. R. S: Espaces Vécus et civilisation. Mémoires et documents de géographie. Histoire d'une Recherche paris 1982.

کتاب فضاهای زیستی و تمدن. پاده‌اشتها و منابع. کار تحقیقی گروهی از جغرافیادانان دانشگاه کان، روان، پاریس-ونسن و اریلان فرانسه است که زیر نظر مرکز ملی پژوهشهای علمی فرانسه انجام گرفته است. کتاب دارای چهار فصل با این عناوین است: تاریخ یک تحقیق، ادراک و عمل روی فضا در نواحی گرم، جوامع و فضای زیستی در بوکالها و شهرهای نمائندی سنلی، انسانها در مناطق و کانونهای بزرگ و نتیجه، کتاب در ۹۹ صفحه تدوین یافته است.

7. Jacques - R. Boudeville: Les espaces économiques. P. U. F. Paris 1970.

کتاب فضای اقتصادی دارای پنج فصل به این شرح است:  
- فضای اقتصادی، ناحیه بین السالی، مثال اروپا، همکاریهای نواحی ملی، خرده ناحیه و مساله کلید آمایش شهری، آمایش حوضه‌های بزرگ رودخانه‌ای، نتیجه، به سوی آینده فضا. کتاب در ۱۲۷ صفحه به وسیله ژاک بودویل استاد دانشگاه حقوق و علوم اقتصادی پاریس تدوین شده است.

8. Jean Labasse: L'organisation de l'espace. Eléments de géographie volontaire. Ed Hermann, Paris 1966.

کتاب سازماندهی فضا و اصول جغرافیای ارادی یکی از آثار برجسته کشورهای فرانسه زبان در قلمرو جغرافیای کاربردی است. در مقدمه کتاب از تمکاس پیشرفتهای اقتصادی و تکنیکی در آمایش فضا بحث شده و کتاب دارای دو بخش با عناوین زیر است:  
- در بخش اول کتاب با عنوان موضوعات مهم برنامه ریزی فضایی مطالب زیر آورده شده است: تسلط و حاکمیت هیدرولوژیک، بهسازی کشاورزی، عدم محدودیت و شکل حمل و نقل در برابر برنامه ریزیها، صنایع، شهرگرایی و رشد شهری، شهرگرایی و ساختار شهری و جنب و جوش شهری.

- در بخش دوم کتاب با عنوان سیاستهای فضایی، در زمینه‌های زیر بحث شده است: دیدگاه‌های عمومی روی برنامه ریزی فضایی، انتخاب محدوده‌های آمایش، ناحیه‌گرایی، فشار متقابل شهر و روستا، الگوهای از سیاست فضایی در قلمرو باز، اشکال سیاست فضایی در قلمروهای محدود و نتیجه.

کتاب در ۶۰۵ صفحه به وسیله ژان لابس استاد برنامه ریزی و عمران شهری آنتیشوی مطالعات سیاسی پاریس تدوین و چاپ شده و یکی از منابع، بالارزش جغرافیای کاربردی است.

9. Jérôme MONOD et philippe de castelbajac: L'aménagement du territoire. P. U. F Paris 1991.

کتاب آمایش سرزمین، دارای فصلهایی با موضوعات زیر است:  
میانی آمایش سرزمین، فضای اروپایی، راههای سیاسی آمایش سرزمین، راههای اقتصادی آمایش سرزمین آینده. کتاب در ۱۲۳ صفحه در سلسله انتشارات دانشگاههای فرانسه چاپ شده است.

10. Larousse dictionnaire encyclopedique. paris 1979.

11. Olivier Dollfus: Espace géographique. P. U. F, paris 1970.

کتاب فضای جغرافیایی با مقدمه آغاز می‌شود و دارای هفت فصل و نتیجه به شرح زیر است:  
ویژگیهای فضای جغرافیایی، انسان و فضای جغرافیایی، انسان و محیط، مفهوم تراکمها، فضای روستایی و فضای شهری، فضای ناحیه‌ای، اشکال سازماندهی فضای جغرافیایی و نتیجه. کتاب در ۱۲۳ صفحه در سلسله انتشارات دانشگاههای پاریس چاپ شده و نویسنده آن البروآ دلفروس استاد

جغرافیای دانشگاه سوربن است. در شرایطی که این نوشته پایان می گرفت ترجمه کتاب که به وسیله دکتر سیروس سهیلی با دقت به فارسی روان برگردانده شده است به دستم رسید، مطالعه آن را به دانشجویان توصیه می کنم.

12. Paul Claval: Régions, Nations, grands Espaces. Ed Genin paris 1968.

کتاب نواحی، ملتها و فضاها ی بزرگ از نگار برجیم پل کلاوال است که در دو بخش با سرفصلهای زیر تدوین یافته است:  
- در بخش اول کتاب، با عنوان تئوری مجموعه سرزمینها و روابط آنها، این سرفصلها را می بینیم: مکانیسم اقتصاد، مفاهیم اقتصاد کل، پویایی اقتصاد کل، اقتصاد در فضا، اقتصاد سرزمینها، پویایی اقتصاد سرزمینها و روابط آنها.  
- بخش دوم کتاب با این سرفصلها نگارش یافته است: واقعیتهای ناحیه ای. تکامل تاریخی ناحیه، پویایی اقتصاد نواحی، اشکال مختلف ناحیه و پراکنندگی آنها در جهان ملتها، تشکیلات ناحیه ای ملتها، بازار جهانی و مجموعه های بزرگ سرزمین و نتیجه.  
کتاب در ۸۳۷ صفحه چاپ و انتشار یافته است.

13. Peter Haggett: Analyse spatiale en géographie humaine, traduction de Hubert Frechou. A. Colin, paris 1973.

در پیشگفتار کتاب تحلیل فضایی در جغرافیای انسانی، زیر عنوان کلیات این موضوعها مطرح شده است: جغرافیا، سیستمها و مدلها، جبرگرایی و احتمال گرایی.

- در بخش اول کتاب با عنوان الگوهای ساختار و مکان پاینها، از حرکات، شبکه هانقاط اتصال و گره ها، سلسله مراتبها، و بالاخره از وسعت و فضاها بحث شده است.

- در بخش دوم کتاب با عنوان «روشها» سرفصلهای زیر آمده است: جمع آوری داده ها، توصیف، تعریف ناحیه، بررسی فرضیه ها. کتاب در ۳۹۰ صفحه با نگارش تئوین تدوین یافته و در واقع اثر بالزسی است که به طرح روشهای کمی جغرافیای انسانی پرداخته است.

14. Pierre George, R. Guglielmo, B. Kayser et Y. Lacoste: La géographie active. P. U. F Paris 1964.

«جغرافیای پویا» اثر پیرژور آن را با همگامان جغرافیایی خود نگاشته است. بعد از پیشگفتار کتاب دارای چهار بخش با عناوین زیر است:

- بخش اول کتاب را با عنوان «مسائل»، دکترین و روش» پیرژور نگاشته است.  
- بخش دوم کتاب، با عنوان «دورنماهای جغرافیای پویا در کشورهای کم رشد» به قلم ایولاگست است.  
- بخش سوم کتاب با عنوان موضوعهای مورد مطالعه جغرافیای پویا در کشورهای صنعتی شده جهان:  
- فصل اول این بخش با عنوان مسؤلیت جغرافیدان در برابر مسائل کشاورزی نوشته پیرژور است.  
- فصل دوم آن را «دوموند گورگیلمو» به نقش «جغرافیای پویا در صنایع» اختصاص داده است.  
- فصل سوم این بخش در دو قسمت جداگانه تنظیم یافته است. بحث مربوط به جغرافیای مصرف را «دوموند گورگیلمو» و بحث مربوط به نقد جغرافیای رشد شهری را پیرژور نوشته است.  
- بخش چهارم کتاب با عنوان جغرافیای پویا و ناحیه مطرح شده است.  
- فصل اول این بخش را با عنوان «ناحیه موضوع مورد مطالعه جغرافیا است» برنارد کایزه به تنهایی نگاشته است.  
- در فصل دوم «ناحیه» به عنوان موضوع مذاخله «مطرح می شود که پیرژور و برنارد کایزه همگام، به نگارش آن اقدام کرده اند.  
در نگارش بحث ناحیه از ابتکار و نوشته این دو جغرافیدان بطور وسیع استفاده شده است.  
کتاب در ۳۵۳ صفحه تدوین یافته و به علت محتوای غنی و ابتکار و آندیشه های جغرافیایی محکم، هنوز هم از اعتبار ویژه ای برخوردار است.

15. Pierre George: L'action humaine. Collection "Le géographe" P. U. F Paris 1968.

کتاب «عمل انسانی» در چهار بخش، با مقدمه و نتیجه تدوین یافته است.  
- در بخش اول کتاب از فضای سازمان یافته بحث شده است و سرفصلهای این بخش را جغرافیای طبیعی در معرض تغییر قرار گرفته، و مثالهای ناحیه ای تشکیل می دهد.  
- بخش دوم کتاب مربوط به سازماندهی فضای کشاورزی است با سرفصلهایی با این عناوین: از فضای کشاورزی تا چشم انداز روستایی سازماندهی اجتماعی و اقتصادی فضای کشاورزی، زمانهای مختلف کشت در فضاها ی کشاورزی و نتیجه.  
- بخش سوم کتاب مربوط به سازماندهی فضای صنعتی است و عناوین سرفصلهای آن عبارتند از: تغییر در بُعد و در ارزش، ساختارها و تکنیکها، مکان پای فضای صنعتی، از فضای تخصصی شده تا فضای کلی و عمومی، ناحیه موضوع جغرافیایی سازماندهی فضا.  
- عنوان بخش چهارم کتاب، مسائل بزرگ و کارهای بزرگ است و فشار جمعیت و توسعه، و کارهای بزرگ عمرانی سرفصلهای این بخش را تشکیل می دهند. کتاب با نتیجه جامعی در ۲۴۴ صفحه پایان می پذیرد.

کتاب «عمل انسانی» در واقع اثری است که کاربرد اصول جغرافیایی را در آمایشهای ناحیه ای مشخص می کند.

16. Pierre George: Dictionnaire de la géographie. P. U. F. Paris 1970.

17. Pierre George: L'ère des techniques. Constructions ou destructions? P. U. F Paris 1974.

پیروز، در کتاب عصر تکنیکها، ساختها یا ویرانگرها، در برابر تغییر لجام گسیخته چشم اندازهای سیاره زمین و آلودگیهای محیط زیست انسانها آتدیشناک است و تسلط بر فضا را که نتیجه آن به معنویت جمعیت کره زمین می انجامد، نوعی بی عدالتی می داند. از دیدگاه ژورژ چنین تسلطی بر فضا جز تخریب و ویرانگری مفهومی ندارد. ژورژ مطالعه در روابط انسانها و فضا و تکنیکهای کاربردی انسانها را در تغییر سیمای جغرافیایی سیاره زمین، با همه نتایج ناگواری که دارد، کاری گروهی می داند و چنین مطالعه وسیع و گسترده ای را در صلاحیت جغرافیادانان، جامعه شناسان، اقتصاددانان و حتی تکنیسینها تشخیص می دهد. و حتی در برخی از شرایط، شرکت زیست شناسان، پزشکان، روانشناسان و روانکوان را در چنین مطالعه ای ضروری می داند. در این بحث دیدگاه ویژه جغرافیادان را در دو بخش به شرح زیر مورد بررسی قرار می دهد:

در بخش نخست از تسلط تکنیک بر فضا بحث شده و سرفصلهای آن چنین است: تغییر در چشم اندازهای روستایی، حاکمیت صنعتی، برخورد با مسائل حمل و نقل، الزامات تکنیکی در زندگی شهری، نتیجه. عنوان کتاب: «اکومن توبنی باید یا ویرانگری اکومن؟» می باشد.

- در بخش دوم با عنوان حفاظت از فضا و اکومن، با این سرفصلها آشنا می شویم: موضوعها و استراتژیها، جغرافیای صنعتی نوین (فرضیات، تجارب و تناقضها)، تغییر مقیاس و تغییر در سازماندهی فضا، فضاهای مختص گذران اوقات فراغت از کار و فضاهای ذخیره. کتاب با نتیجه کلی در ۱۷۴ صفحه تدوین یافته است.

18. Pierre George: Population active. Introduction a'une géographie de travail. P. U. F. Paris 1978.

در مقدمه کتاب پیروز یادآور می شود که اقدام به تدوین «جغرافیای کار» مستلزم اثبات جغرافیایی موضوع نسبت به علوم انسانی دیگر چون جامعه شناسی، قوم شناسی و اقتصاد است و اضافه می کند که نگرش ایده تولوزیکی هر چه باشد، ماهیت و شرایط کار با ساختار اقتصادی و اجتماعی هر جامعه تعیین و مشخص می شود و گر چه بحث در این مقوله عمده در قطر و کار اقتصاددانان و جامعه شناسان است ولی موضوع از مفاهیم جغرافیایی جدا نیست چرا که بدون توجه به شرایط طبیعی، فضایی که کار در پهنه آن انجام می گیرد، نتیجه نارسا خواهد بود.

اما جغرافیادان در مطالعه کار نمی تواند چالشین قوم شناسی، جامعه شناسی و اقتصاددان باشد بلکه وظیفه دارد نتایج کارهای تحلیلی کارشناسان نظامهای علمی یاد شده را به حالت ترکیب با بخش از فضا، اصم از این که فضای منطقه ای، توپوگرافی (کوهستانی، جلگه ای، جزیره ای...) ملی و فرهنگی باشد، در رابطه گذاشته و وزن و ثقل عوامل مسلط فیزیکی را در ماهیت، شرایط و انجام کار، آزمایش کند...

کتاب پرمحتوا و نوین جمعیت فعال، مقدمه ای بر جغرافیای کار» در سه بخش با نگرش جغرافیایی تدوین یافته است.

- در بخش نخست از تبیین اشکال کار با سرفصلهای کاربرد کشورهای غیر صنعتی، صنعتی و تبیین کار صنعتی، مفهوم بخش سوم

مشاغل اجتماعی با همه پیچیدگیهای آن، بحث شده است.

- در بخش دوم که عنوان آن کار در کشورهای کم رشد جهان است، این سرفصلها را می بینیم: کار و بیکاری در کشور مغرب، کمبود نیروی

انسانی و کم کاری نیروی انسانی مرد در آفریقای مداری، دهقانان گرسنه و بیکاران شهری در آسیای میوسمی.

- در بخش سوم از عدم تعادل محل کار در کشورهای ثروتمند جهان و نیز از کار و اقتصاد مصرف بحث شده و سرفصلهای این بخش بدین

قرار است: کار و بیکاری در امریکای شمالی، کار در کشورهای صنعتی اروپایی (مثال فرانسه) برنامه ریزی کار در اقتصاد سوسیالیستی. کتاب در ۳۲۷

صفحه تدوین یافته است.

19. Pierre George: Les hommes sur la terre. la géographie en mouvement. Ed Seghers. Paris 1989.

کتاب انسانها روی کره زمین، جغرافیا در حرکت، اثر نوین و بااوزش جغرافیایی و بینرگر حرکت و تکامل جغرافیا در جریان قرن اخیر

است. کتاب در شش قسمت در زمینه های زیر بحث کرده است: رشد ناهماهنگ جمعیت در سیاره زمین، تبیین جغرافیایی فیزیکی و موراث تاریخی،

توسعه نابرابر در فضاهای جغرافیایی، مکاتبا و حرکات، جغرافیای زیست محیطی و مفاهیم جغرافیا و بالاخره نتیجه کتاب در ۲۱۷ صفحه تدوین یافته

است.

20. Robert Dictionnaire, Paris 1971. Vo 15

21. Roger Brunet: Pour une theorie de la géographie regional. Art. La Pensée géographique Française Contemporaine. P.U.B 1972.

در این مقاله رژه برونه از فضای جغرافیایی ناپیوست و از ناحیه به عنوان مجموعه مداوم و پیوسته و یک واقعیت زنده سخن می گوید و از فضای پرتو انشائی یک شهر و از عدم اختلاف اساسی بین ناحیه قطعی شده و ناحیه همگن و از ساختار ناحیه و تفسیرات آن بحث می کند و مقایسه ساختارهای

نوامس را موضوع بنیادی برای مطالعات جغرافیایی می داند. صفحه ۶۴۹-۶۶۲.

22. René Clozien: Histoire de la géographie. P. U. F. Paris 1960.

کتاب تاریخ جغرافیا دارای سرفصلهایی به شرح زیر است: جهان شناخته شده دوره باستان، راههای قرون وسطی، اکتشافات بزرگ دریایی،

مسافرتهای دریایی و اندازه گیری زمین در قرن ۱۸، دوران معاصر و اکتشافات قطبی، جغرافیای نوین، دانش جغرافیا، روش کار و مسائل و روشها.

کتاب در ۱۶۸ صفحه در سلسله انتشارات دانشگاههای پاریس چاپ شده است.